



ملکیت عبارت است از يك نوع رابطه اضافه بين شخصی و شیئی که حکایت از اختصاص داشتن آن شیئی بآن شخص دارد که يك طرف اضافه و رابطه را مالک و طرف دیگر را مملوک می گویند مانند زوجیت و وکالت و امثال آنها که يك نوع رابطه حقوقی بین دو نفر است که حکایت از وقوع زناشویی بین آنها و یا نیابت در انجام امری بین آنها می کند .

اختصاص داشتن چیزی بشخصی يك مرتبه ناشی ازاستناد وجود آن شیئی به آن شخص است باین معنی که آن شخص سبب وجودی آن شیئی است مانند مالکیت ذات اقدس الهی نسبت بموجودات عالم امکان در سوره فرقان قرآن کریم میفرماید الذی له ملک السموات والارض ودر سوره طه میفرماید له ما فی السموات وما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثرای نسبت دادن مالکیت موجودات بذات اقدس ربوبی در آیات شریفه از نظر افاضه فیض مسلط و اشراق نور وجود بر ممکنات بوده که از این اضافه ملکیت تعبیر باضافه اشراقیه می شود و آن اضافه را می گویند که يك طرف اضافه بخود حاصل می شود بر خلاف اضافه مقولیه و اضافه مالکیت در مورد ذات اقدس ربوبی اضافه اشراقیه بوده و ذات مقدس اش منزله است از اینکه محل اعراض بوده باشد .

مقولةً فانه لن یعقلنا

یوصف بالاضافة الاشرافی

والمملك لیس فیہ جل و علا

بل هو عین فعله الاطلاق

وقتی ما يك اثر هنری را مانند يك تابلو نقاشی به شخصی نسبت می دهیم و می گوئیم این تابلو مال فلانی است مقصود ما از مالکیت در این قبیل موارد مالکیت ایجادى است یعنی آن شخص علت فاعلی او است و منظور از مالکیت صنعتی و هنری که این روز زیاد بکار برده میشود مالکیت باین معنی می باشد .

و مرتبه دیگر اختصاص چیزی به شخصی از نظر تصرفاتی است که آن شخص در آن چیز می کند مثل اینکه می گوئیم این مغازه فلانی است از این نظر که در آن کسب و تجارت می کند یا این باغ زید است از نظر اینکه باغبانی و نگهداری آن را بعهده دارد .

مرتبه سوم اختصاص شیئی به شخصی از این نظر است که زمام اختیار او در دست آن شخص است و می تواند هر نوع تصرفات حقوقی از نقل و انتقالات قانونی بوسیله عقود ناقله نسبت بآن انجام دهد مانند اموال منقول و غیر منقول اشخاص .

اضافه و رابطه مالکیت در دو قسم اخیر اضافه مقولیه و از امور اعتباریه است که منشأ آن استعمال و تصرفات است در قسم دوم و حیات و ارث و وقف خاص و سایر اسباب و نوافل اختیاریه است در قسم سوم و منظور ما از ملکیت همان شق ثالث و بودن زمام شیئی در اختیار مالک است می باشد که با اسباب مختلف که یکی از آنها عقود ناقله است حاصل می شود و ملکیت باین معنی يك نوع اضافه و امر اعتباری است که ظرف تکوین آن عالم اعتبار است .

چگونه مالکیت در جامعه انسانی پدید آمده است

انسان از ابتدای خلقت مجبور بوده که برای بقای خود و ادامه زندگی دست بکار و فعالیت بزند و زحمات بدنی زیادی را تحمل کند باید کار کند تا زنده بماند اگر کار نکنیم نان برای خوردن نخواهیم داشت .

ضروریات ابتدائی انسان عبارت هستند از خوراك و پوشاك و مسكن كار كردن اختصاص با انسان ندارد تمام پرندگان و درندگان کار می کنند پرندگان برای خوراك خود و بچه هایشان دائماً در تلاش هستند و حیوانات درنده برای طعمه خود بکوه و دشت صحرا و آب و آتش می زنند النهایة بین کار انسان و کار حیوان فرق و اختلافی وجود دارد کار برای حیوان يك امر غریزی است کبوتری که با عشق و علاقه شدیدی لانه خود را می سازد این عشق و علاقه از منبع غریزه الهام و سرچشمه می گیرد ولی کار برای انسان يك امر نفرت انگیز و می توان گفت يك محکومیت اجباری است که از آن بکد یمین و عرق جبین تعبیر شده است .

حس تنفر از کار بوده است که بشر سیستم بردگی و بندگی را در دنیا تاجندی پیش برقرار نمود که اکنون هم بصورت قاچاق و نامشروع در بعضی از گوشه و کنار دنیا موجود است .

حس تنفر از کار بوده است که بشر برای کم کردن زحمات دست باختراع ماشین زده است و قانون تقسیم کار را برقرار نموده است .

کارهایی را که انسانهای اولیه انجام می دادند از این قرار بوده است :

۱- شکار حیوانات روی زمین .

۲- صید ماهی در رودخانه ها و دریاها .

۳- میوه چینی و کندن ریشه های غذایی درخت ها در جنگل ها .

و هر چه را که در نتیجه کار و کوشش بدست می آورده اختصاص بخود می داده و این اختصاص چیزی بشخصی و بودن زمام اختیار آن در دست شخص غیر از ملکیت چیز دیگری نیست از همین نقطه مالکیت در جامعه انسانی پدید آمده و شارع مقدس اسلام حیات اموال اباحه را از اسباب مالکیت قرار داده و حکم شارع در این مورد از احکام امضائیه شریعت مقدس اسلام است .

بطوریکه خوانندگان عزیز استحضار دارند احکام شریعت اسلامی بر دو قسم است تأسیسی - و امضائی اول آن احکامی را می گویند که قبل از اسلام در عرف وجود نداشته و اسلام آنها را پدید آورده مانند اکثر احکام عبادی دوم آن احکامی را می گویند که قبل از اسلام بین مردم رایج بوده و اسلام آنها را بدون هیچگونه تغییری و یا با مختصر تغییر در موضوعات و یا شرایط آنها را تنفیذ نموده است .